

آیا ایران به سوی تجزیه می رود؟

یوسف عزیزی بنی طرف

• پیش بینی ناظران بر آن است که در آستانه انتخابات ریاست جمهوری در ایران، فعالیت های ملی گرایانه نه تنها در میان خلق ترک آذربایجان بلکه در میان سایر خلق های غیر فارس همچون عرب ها، کردها و بلوچ ها نیز گسترش خواهد یافت. هم چنین، توده های مردم ایران از شکاف فزاینده میان جناح های متخاصم رژیم بهره برداری خواهند کرد تا ناخشنودی خود را از سیاست های اقتصادی و داخلی و خارجی رژیم ایران بیان نمایند ...

اخبار روز: www.akhbar-rooz.com
یکشنبه ۱۳ اسفند ۱۳۹۱ - ۳ مارس ۲۰۱۳

اشاره مترجم: این مقاله روز چهارشنبه ۲۷ فوریه ۲۰۱۳ یعنی یک روز پس از مسابقه تیم های "تراکتور" - تراکتور سازی - و "الجزیره" امارات متحد عربی در تبریز، توسط نگارنده نوشته شد و در همان روز در سایت های روزنامه های "القدس" و "الزمان" و روز بعد در نسخه کاغذی این دو روزنامه در خیابان های کرانه غربی و غزه، سرزمین های اشغال شده سال ۴۸ (اسرائیل)، لندن، بحرین، عراق، لبنان، اردن، مصر، تونس و مراکش ظاهر شد. در واقع سعی کردم صدای هموطنان آذربایجانی را به مردمان عرب در همه جای دنیا برسانم. این دو سایت از پربیننده ترین سایت های عربی هستند و در همه جای جهان خواننده دارند. روزنامه "القدس" در رام الله (فلسطین) و روزنامه "الزمان" - به طور همزمان - در لندن، بحرین، بغداد، بیروت و رباط منتشر می شود.

من زیر تاثیر حوادثی این مقاله را نوشتم که در ورزشگاه سهند تبریز رخ داد و طی آن شعارهای هویت طلبانه سر داده شد و نیز پلاکارد بزرگی برافراشته شد که روی آن شعاری استقلال طلبانه نقش بسته بود. نیز طی ماه های گذشته، محمد خاتمی رییس جمهور پیشین و شماری از شخصیت های سیاسی داخل و خارج در باره فروپاشی جامعه ایرانی و گسستگی آن سخن گفته بودند.

ضمنا گرچه در باره حوادث اصفهان، افرادی این جا و آن جا مطالب و تحلیل هایی ارایه کردند اما در مورد حوادث اخیر تبریز چیزی ندیدم، مگر از خود اهل قلم آذربایجان. نمی دانم سبب این عدم واکنش - مثبت یا منفی - چیست؟ آیا دلیل اش گجی برخاسته از چنین ضربه ای است؟ یا این که جامعه فارس زبان در باره چنین حوادثی بی تفاوت شده است؟

چنین حوادثی بی تفاوت شده است؟
متن مقاله

مساله ملیت های غیر فارس در ایران هر بار به شکلی و در جامعه ای نمایان می شود تا از سرکوب رژیم ایران - که در چنگ ملیت فارس است - جان سالم به در برد. حدود چهار سال است که شاهد بروز پدیده ای هستیم که طی آن نیروهای جنبش ملی آذربایجان از تیم فوتبال باشگاه "تراکتور" - که در تبریز مرکز اقلیم

آذربایجان قرارداد - برای هدف های سیاسی خود استفاده می کنند. ترک های آذربایجان این واژه را به صورت "تراختور" تلفظ می کنند و شب و روز و در همه جا - در ایران و در خارج - برای باشگاه ملی و محبوب خود تبلیغ می کنند.

درواقع تیم "تراختور" به نماد ملی و سیاسی ملیون ها ترک آذربایجانی در ایران بدل شده است. ما طی سالیان گذشته، گواه حضور هزاران تن از توده های هوادار این تیم در ورزشگاه ها و در مسابقه های متعدد با دیگر باشگاه های شهرهای مختلف ایران، از جمله تهران، بوده ایم. پلاکاردها و شعارهای ملی گرایانه و استقلال طلبانه در تبریز و پسین مسابقه، میان تیم "تراختور" و "الجزیره" امارات متحد عربی بود. در این مسابقه برخلاف دیگر مسابقه هایی که در برابر باشگاه های ایرانی صورت می گرفت، توده های ترک هوادار "تراختور" در ورزشگاه سهند (یادگار امام رسمی) با شعارهای آمیخته ترکی - عربی از تیم امارات استقبال کردند. از شعارها یکی این بود: " اهلا وسهلا مرحبا، گل میشوخ به آسیا". وقتی افراد تیم "الجزیره" امارات پا به زمین بازی نهادند از تشویق وسیع توده های آذربایجانی شگفت زده شدند، به طوری که برخی از آنان با تلفن های خود به فیلمبرداری از این صحنه های شگفت آور پرداختند. به نظر می رسد، انگیزه تشویق رقیب این است که ترک های آذربایجان - بر خلاف احساس نا دوستی و دلخوری از جامعه فارس زبان - مردم عرب در ایران و خارج از آن را دوست خود می پندارند.

در مرحله اول مسابقه جام قهرمانی باشگاه های آسیا که دیروز سه شنبه (۲۶/۲/۲۰۱۳) انجام گرفت، تیم "تراختور" تبریز با نتیجه سه - یک، مهمان خود "الجزیره" امارات را شکست داد.

این پیروزی، شور و احساسات تماشاگران ترک را شعله ور ساخت. آنان پلاکاردها بزرگی را بلند کردند که بر روی آن نوشته شده بود:

AZERBAIJAN ISN'T IRAN SOUTH یعنی "آذربایجان جنوبی جزء ایران نیست". منظور آنان از آذربایجان جنوبی، اقلیم آذربایجان واقع در شمال باختری ایران است که بیش از بیست ملیون نفر ترک آذربایجانی در آن زندگی می کنند، در حالی که کل شمار ترکان در ایران، از جمله ترکان شمال خاوری و قشقایی ها در جنوب ایران بالغ بر ۲۵ ملیون تن یعنی حدود یک سوم جمعیت ایران اند. خلق ترک، همچون خلق های عرب، کرد، بلوچ و ترکمن، از کمترین حقوق ملی خویش - از جمله آموزش به زبان مادری در دوره ابتدایی - محروم است. این امر، انگیزه نیرومندی برای تحرکات گسترده میان فرزندان خلق ترک آذربایجان - که مخالف حکومت آهنین مرکزی در تهران اند - پدید می آورد.

توده های ترک هوادار تیم "تراختور" در ورزشگاه سهند تبریز شعارهایی دادند که بر حق آنان در آموزش زبان ترکی تاکید و با حمایت ایران از دولت ارمنستان که بخشی از زمین های جمهوری آذربایجان برادر را اشغال کرده، مخالفت می کرد. ما البته در مسابقه دیروز - سه شنبه ۲۶ فوریه - شعار "خلیج، خلیج عربی" را نشنیدیم که به نظر می رسد این شعار را هواداران "تراختور" فقط در شهرهای فارس نشین یا در تهران سر می دهند. این شعار، خشم کسانی را بر می انگیزد که بر فارس بودن خلیج تاکید می ورزند و در شعارها - وادبیات خود به طور عام - ترک های آذربایجان را تحقیر و آنان را خر و احمق توصیف می کنند. توده های آذربایجان پس از پایان مسابقه، با حمل پلاکاردها و شعارهای خود به خیابان های اصلی شهر تبریز

ریختند. طبق گفته منابع مطلع، نیروهای امنیتی ده ها تن از تظاهرکنندگان را دستگیر و به مکان های نامعلوم منتقل کرده اند.

گرچه برخی از فعالان سیاسی می گویند که سپاه پاسداران مالک باشگاه "تراکتور" یا تراکتور سازی است و دست های برخی جناح های رژیم را پشت سر این باشگاه می بینند اما دیگر فعالان آذربایجانی آن را در یچه ای برای بیان خواسته های ملت آذربایجان می بینند و برای آنان مهم نیست چه کسی مالک این باشگاه است. معنا و مفهوم تحرک آذربایجانی ها ملت آذربایجان در سال ۱۹۴۵ حکومت خود مختار خود را به رهبری سید جعفر پیشه وری برپا ساخت، اما ارتش شاهنشاهی یک سال بعد، این حکومت را برانداخت و کتاب های ترکی را به آتش کشید و هزاران تن از فرزندان این ملت را کشت یا اعدام کرد. نخبگان دینی و سکولار ترک پس از انقلاب ۱۹۷۹ ایران کوشیدند تا صفوف این ملت را بار دیگر متحد سازند، اما حاکمیت نوپای اسلامی با استفاده از قدرت، در برابر این امر ایستاد و همه شخصیت هایی را که خواستار حقوق ملی خلق ترک آذربایجان بودند سرکوب و زندانی کرد. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و استقلال جمهوری آذربایجان، جنبش نوین این مردم، پتانسیل نیرومندی یافت زیرا که ملت جمهوری آذربایجان - از نظر زبانی و فرهنگی - هیچ تفاوتی با ملت آذربایجان در ایران ندارد.

یک سال پس از انتفاضه ملت عرب اهواز، یعنی در ژوئن ۲۰۰۶ خلق ترک آذربایجان در اعتراض به تبعیض و ستم ملی به پا خاست و در تظاهرات ملیونی شهرهای اقلیم آذربایجان، ده ها تن کشته و زخمی شدند. هم اکنون صدها تن از فعالان ترک به سبب مطالبه حقوق زبانی، فرهنگی و سیاسی خود در زندان های ایران محبوس هستند.

از جمله فعالیت های اخیر نخبگان آذربایجانی می توان به نامه ۶۰۰ دانشجو و معلم ترک آذربایجانی اشاره کرد که روز ۲۳ فوریه گذشته به مناسبت روز جهانی زبان مادری به روزنامه ها و مجله های ایرانی ارسال شد. آنان در این نامه سرگشاده از نادیده انگاشتن زبان ترکی آذربایجانی توسط مقام های جمهوری اسلامی و مطبوعات پایتخت انتقاد کردند و خواستار تخصیص صفحاتی به زبان ترکی در این مطبوعات شدند. نخبگان جامعه آذربایجان به دو بخش تقسیم می شوند: بخشی که خواهان استقلال و پیوستن به کشور برادر، جمهوری آذربایجان اند و بخشی که خواهان برقراری نظام فدرال در چارچوب ایران. ما این تقسیم بندی را در میان اهوازی ها در اقلیم عربستان و کردها در اقلیم کردستان ایران نیز می بینیم. اما فعالیت های استقلال طلبانه ترک های آذربایجان، شاهد رشد مستمری است که این استقلال طلبی و رادیکالیسم ناشی از نادیده گرفتن مطالبات فرهنگی و زبانی و اقتصادی این ملت است. ما این امر را - کما بیش - در میان دیگر خلق های غیر فارس نیز می بینیم. تفاوت امر در این است که حکومت مرکزی تهران از ترک ها بیش از کردها، عرب ها و بلوچ ها می ترسد و این البته دلایل فراوان دارد؛ از جمله جمعیت پرشمار، نفوذ در اقتصاد و ارتش و سپاه پاسداران، و تاثیر تاریخی ملت آذربایجان در جنبش های آزادی خواهانه و دموکراتیک مردمان ایران از انقلاب مشروطیت در سال ۱۹۰۶ تاکنون. ترک های آذربایجان در آن انقلاب نقش مهمی بازی کردند، و البته نمی توان نقش اساسی آنان را در انقلاب فوریه ۱۹۷۹ (بهمن ۵۷) نادیده گرفت. از شگفتی های روزگار آن که شخصیت های اندیشه ورز برجسته آذربایجانی همچون احمد کسروی، در اوایل

قرن بیستم که ایران در معرض گسستگی قرار داشت، نقش مهمی در یکپارچگی این کشور ایفا کردند. اما بر خلاف گذشته، نسل کنونی ترک معتقد است که ملت ترک آذربایجان در همه انقلاب هایی که ایران در قرن بیستم به خود دید، مغبون نخبگان فارس زبان قرار گرفت و به حقوق خود دست نیافت. آنان بر این باورند که به رغم مشارکت تعیین کننده ترک های آذربایجان و فداکاری ها و جان بازی های آنان در جنبش های سیاسی و توده ای و انقلاب های یاد شده، نتیجه چیزی جز تمرکز آهنین در تهران و چیرگی زبان و فرهنگ پارسی نبود.

خلق های غیر فارس به کجا می روند؟ تاکنون گرایش غالب در میان ملت ترک آذربایجان شناخته نیست. آیا اکثریت مردم، خواهان استقلال یا پیوستن به جمهوری آذربایجان اند؟ یا این که همچون سال ۱۹۴۵ (۱۳۲۴ش) خواستار برپایی اقلیمی فدرال در چارچوب ایران اند؟ و آیا موازنه نیروهای منطقه ای و بین المللی به سود استقلال آذربایجان و جدایی اش از ایران است؟ یا این که برخی از این نیروها می خواهند از جنبش درونی این ملت برای فشار بر رژیم خود سر ایران استفاده کنند؟ پیش بینی ناظران بر آن است که در آستانه انتخابات ریاست جمهوری در ایران، فعالیت های ملی گرایانه نه تنها در میان خلق ترک آذربایجان بلکه در میان سایر خلق های غیر فارس همچون عرب ها، کردها و بلوچ ها نیز گسترش خواهد یافت. هم چنین، توده های مردم ایران از شکاف فزاینده میان جناح های متخاصم رژیم بهره برداری خواهند کرد تا ناخشنودی خود را از سیاست های اقتصادی و داخلی و خارجی رژیم ایران بیان نمایند.